

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

سال دوازدهم - شماره چهارم - زمستان ۱۴۰۱ - شماره پيوسته ۳۸

بررسی مولکول‌های معنایی نام حیوانات پربسامد در ضرب‌المثل‌های گویش

سیرجانی: معنی‌شناسی شناختی (ص ۱۱۳-۱۴۱)

طاهره عزت‌آبادی‌پور (نویسنده مسئول)^۱، اشرف‌السادات شهیدی^۲، مصطفی سلیمانیان^۳

 20.1001.1.2345217.1401.12.4.5.1

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۷/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۲۴

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

قصه‌ها، لالایی‌ها و ضرب‌المثل‌های یک منطقه، خالص‌ترین و عمیق‌ترین احساسات، ظریف‌ترین افکار و اندیشه‌ها و واقعیات یک جامعه را منعکس می‌سازند. یکی از ویژگی‌های ضرب‌المثل‌ها، کاربرد کلمات معمول و مأنوس همچون اسامی حیوانات، گیاهان، میوه‌ها، اعضای بدن و رنگ‌ها در مفاهیم ارجاعی و نیز غیرارجاعی و استعاری است که اغلب با هدف برجسته‌ساختن یک مختصه معنایی مثبت یا منفی در آن‌ها و جلب نظر مخاطب به اهمیت موضوع است. هدف این پژوهش، بررسی مولکول‌های معنایی نام حیوانات پربسامد در ضرب‌المثل‌های گویش سیرجانی براساس چارچوب معنی‌شناسی شناختی است. بدین منظور، پس از گردآوری مجموعه‌ای شامل «۹۵۰» ضرب‌المثل گویش سیرجانی، تعداد «۴۰۵» ضرب‌المثل، حاوی نام انواع حیوانات، استخراج و از این تعداد به بررسی ضرب‌المثل‌های حیوانات پربسامد در گویش سیرجانی با رویکردی معنایی-شناختی پرداخته شد و از نام هر حیوان چند ضرب‌المثل ذکر گردید. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که سه حیوان اهلی و بومی شهرستان سیرجان به ترتیب خر، سگ و شتر پربسامدتر و پرکاربردتر از بقیه حیوانات اهلی و وحشی در ضرب‌المثل‌ها هستند. از لحاظ دلالت و کارکرد موضوعی نیز موضوعات اجتماعی، بیشتر از بقیه موضوعات به کار رفته است.

کلمات کلیدی: ضرب‌المثل، مولکول معنایی، معنی‌شناسی شناختی، دلالت و کارکرد موضوعی، گویش سیرجانی.

۱. دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و

بلوچستان، زاهدان، ایران.
Email: ezatabadit@gmail.com

۲. استادیار زبان‌شناسی، گروه زبان و ادبیات انگلیسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه پیام نور سیرجان، ایران.

Email : shahidiashraf@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور اهواز، ایران.

Email: Mustafasolemania@gmail.com



۱. مقدمه

در هر زبان یا گویشی ضرب‌المثل‌هایی وجود دارند که می‌توان آن‌ها را مانند آینه‌ای دانست که احساسات، اندیشه‌ها، تفکرات، فرهنگ، تمدن، آداب و رسوم و مسائل مختلف اجتماعی- فرهنگی سخنوران آن زبان یا آن گویش را نشان می‌دهند و آن‌ها را بازتاب می‌دهند و به نسل‌های بعدی می‌شناسانند. گویش سیرجانی رایج در شهرستان سیرجان نیز از این قاعده مستثنی نیست و دارای ضرب‌المثل‌های فراوانی است که در بسیاری از آن‌ها نام حیوانات به صورت استعاری به کار رفته است که دلالت معنایی به افراد یا اشیای مختلف دارند. از طرف دیگر به علت ظهور و گسترش وسایل ارتباط جمعی نظیر تلویزیون، رادیو، تلفن همراه، فضای مجازی، گسترش راه‌ها، گسترش آموزش و پرورش و تلاش برای یکسان‌سازی و همسان‌سازی زبان معیار (رواج فارسی معیار در مدارس)، گویش‌ها و همچنین ضرب‌المثل‌های گویش‌ها روز به روز کم رنگ‌تر و کم رونق‌تر می‌شوند. این مقاله به بررسی کاربرد استعاری و نمادین حیوانات پربسامد در ضرب‌المثل‌های گویش سیرجانی به خصوص مثل‌های رایج در شهرستان سیرجان، با رویکردی معنایی-شناختی می‌پردازد. ضرب‌المثل‌هایی که سینه به سینه و نسل به نسل نقل شده و از پدر یا مادری به فرزندانشان منتقل شده‌اند تا سرانجام به ما رسیده‌اند؛ زبان رمزگونه و نمادین این ضرب‌المثل‌ها به ما کمک می‌کند که بتوانیم واقعیت‌ها، نابسامانی‌ها، مسائل مختلف اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره را به طور غیر مستقیم و با رمز، ایما، اشاره، تشبیه، تمثیل، به صورت استعاری و غیره بیان کنیم. این کاربرد نمادین نام حیوانات در ضرب‌المثل‌ها در گفتار روزمره، دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد. شاید یکی از مهم‌ترین دلایل کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل‌ها، عینی‌کردن مسائل انتزاعی باشد. گاهی اوقات مسئله، انتزاعی است و اگر به طور مستقیم بیان شود ممکن است به درستی درک نشود و امر ارتباط به مخاطره بیفتد؛ اما با آوردن مثال و استفاده از فنونی مانند تشبیه و استعاره می‌توان به عینی‌کردن مسئله کمک کرد و باعث تسهیل در امر ارتباط شد. در قرآن که یک کتاب آسمانی است نیز مثال‌های فراوانی از نام حیوانات به منظور عینی‌کردن مسائل انتزاعی وجود دارد؛ به عنوان مثال، خداوند در جایی عنکبوت و در جای دیگر پشه و غیره را مثال زده است. باید به این نکته اشاره کرد که اسم بعضی از سوره‌های قرآن نیز با نام حیوانات است؛ مثل بقره (گاو ماده)، نمل (مورچه)، نحل (زنبور عسل) و غیره. از دلایل دیگر کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل‌ها، می‌توان به نسبت‌دادن صفت(ها) یا ویژگی(های) یک حیوان به انسان اشاره کرد. این صفات یا ویژگی‌ها می‌توانند خوب یا بد باشند. البته بسیاری از این صفات و ویژگی‌ها جهانی نیستند و عمدتاً فرهنگ‌محور هستند.

کاربرد ضرب‌المثل‌ها بر اساس متغیرهای اجتماعی مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات، صمیمیت، طبقه اجتماعی، شغل، مکان جغرافیایی، گروه قومی، سبک، قدرت و زمان، متفاوتند که این موضوع باعث تابو بودن یا حسن تعبیر بودن آن‌ها می‌شود. هر چه افراد در اجتماع، متغیرهای مشابه‌تری داشته باشند، تفاوت‌های اجتماعی و زبانی آن‌ها کمتر می‌شود و از لحاظ شخصیت بیشتر به یکدیگر نزدیک می‌شوند؛ مثلاً اگر همگی مرد باشند؛ در رده سنی نزدیک به هم قرار داشته باشند؛ صمیمت آن‌ها با یکدیگر بیشتر باشد؛ سطح تحصیلاتشان به هم نزدیک‌تر و شغلشان مانند هم باشد؛ در طبقات اجتماعی مشابهی قرار داشته باشند یا اینکه سایر متغیرهای اجتماعی آن‌ها به طور کلی، با هم مشابه یا نزدیک باشد؛ در این صورت نسبت به یکدیگر احساس راحتی و نزدیکی بیشتری دارند و این احتمال وجود دارد که بیشتر از تابوها در کلام خود استفاده کنند. با توجه به این مؤلفه‌های اجتماعی و با در نظر گرفتن فرهنگ و آداب و رسوم هر کشور و منطقه، افراد از کلمات و ترکیب‌های متفاوتی برای بیان ضرب‌المثل‌ها استفاده می‌کنند. پس در روساخت، بازنمود عینی و ساختار هر ضرب‌المثل در هر گویشی متفاوت است، اما از نظر معنی و زیرساختی (ژرف‌ساختی و ذهنی) همه ضرب‌المثل‌ها مشابه هستند.

در این پژوهش تلاش شده است به یکی از موارد نمادین کاربرد نام حیوانات؛ یعنی کاربرد نمادین استعاری در یک منطقه مشخص و در یک گویش معین و با یک رویکرد مدرن؛ یعنی رویکرد معنایی-شناختی پرداخته شود.

۱-۱. پیشینه پژوهش

در چند سال اخیر، زبان‌شناسان، استعاره‌هایی مبتنی بر نام حیوانات را در چند زبان بررسی کرده‌اند. هالوپکا-رشتار (Halupka-Resetar) و رادیچ (Radić) (۲۰۰۳) تحقیقی در مورد کاربرد نام حیوانات در خطاب کردن انسان که می‌تواند به صورت تحبیبی یا تحقیری باشد، انجام داده‌اند. کالین (Colin) (۲۰۰۵) درباره اصطلاحات مبتنی بر نام حیوانات در دو زبان انگلیسی و سوئدی با تمرکز بر مطابقت و تنوع در بیان و محتوا تحقیق کرده است؛ رودریگز (Rodriguez) (۲۰۰۹) استعاره‌هایی مبتنی بر نام حیوانات در دو زبان انگلیسی و اسپانیایی را مورد بررسی قرار داده است که برای زنان به کار می‌روند؛ سیلاشکی (Silaški) (۲۰۰۹) استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات را در اصطلاحات تجاری زبان انگلیسی مورد بررسی قرار داده است؛ زاموسفالوی (Szamosfalvi) (۲۰۱۱)، کاربرد نام حیوانات بر اساس خطاب و توصیف (هم به صورت تحقیرآمیز و هم تحبیب) را در زبان‌های انگلیسی و مجاری با یکدیگر مقایسه کرده است. در ارتباط با ضرب‌المثل‌ها در زبان فارسی و گویش‌های آن، بررسی‌هایی صورت گرفته است از جمله نشاتی (۱۳۸۹) به تحلیل ضرب‌المثل‌های شیرین‌بهبهانی و اصطلاحات

عامیانه و بزرگمهر (۱۳۸۹) به تحلیل ضرب‌المثل‌های ایلی لری پرداخته‌اند؛ شریفی‌مقدم و ندیمی (۱۳۹۲) تحلیلی معنی‌شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های گویش لار و روبرتو (Roberto) (۲۰۱۵) میان استعاره‌های مبتنی بر نام حیوانات در زبان‌های فارسی و انگلیسی مقایسه‌هایی انجام داده‌اند؛ سلحشور (۱۳۸۷) به بررسی بهترین ضرب‌المثل‌های ایرانی؛ شکورزاده (۱۳۸۷) در اثری به دوازده هزار مَثَل فارسی و سی هزار معادل آن‌ها پرداخته‌اند؛ نخاوی (۱۳۹۰) کاربرد مجازی نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های فارسی و تحلیل برخی ویژگی‌های نحوی آن‌ها را بررسی کرده است. در این بخش به معرفی پژوهش‌هایی درباره مولکول‌های معنایی جانوران در زبان‌های مختلف پرداخته می‌شود. هسیبه یکی از پرکارترین پژوهشگران در زمینه بررسی مولکول‌های معنایی جانوران است، الگوهای پژوهش‌های هسیبه تقریباً مشابه یکدیگر هستند؛ غالب پژوهش‌های او به بررسی مولکول‌های معنایی جانوران و گیاهان در زبان چینی ماندارین و آلمانی اختصاص دارند تا با معرفی و مقایسه این مولکول‌های معنایی بتوان به شناختن و شناساندن زبان و فرهنگ چینی و آلمانی پرداخت (نخاوی، ۱۳۹۰). مهم‌ترین پژوهش‌های هسیبه در زمینه بررسی مولکول‌های معنایی جانوران عبارتند از: هسیبه (۲۰۰۱، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶، ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴) و هسیبه (Hsieh) و جاکر (Jucker) (۲۰۰۳). در زبان فارسی پژوهش‌های کمی در زمینه مولکول‌های معنایی جانوران انجام شده است. نخاوی (۱۳۹۰) به بررسی کاربرد مجازی نام جانوران در ضرب‌المثل‌های فارسی و تحلیل برخی از ویژگی‌های نحوی آن‌ها با رویکرد شناختی پرداخته است، هاشم‌زهی (۱۳۹۳) نیز به بررسی کاربرد نام برخی از جانوران در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی و انگلیسی با رویکرد معناشناسی شناختی پرداخته است.

تاکنون چندین پژوهش زبان‌شناختی و غیر زبان‌شناختی درباره گونه زبانی سیرجانی انجام شده است. از جمله آثار موجود، می‌توان به آثاری مانند گویش مردم سیرجان (مؤیدمحمسنی، ۱۳۸۱)، نامه سیرجان واژه‌ها و اصطلاحات لهجه سیرجان (سریزدی، ۱۳۸۲)، فرهنگ عامیانه سیرجان (مؤیدمحمسنی، ۱۳۸۶)، توصیف زبان‌شناختی گونه زبانی شهرستان سیرجان (شهیدی و روشن، ۱۳۹۶)، فرایند سایشی‌شدگی در گونه زبانی سیرجانی: واج‌شناسی زایشی (عزت‌آبادی و شهیدی، ۱۳۹۸)، بررسی فرایندهای سایشی‌شدگی، ناسوده‌شدگی و حذف در گونه زبانی سیرجانی براساس نظریه بهینگی (خلیفه‌لو و عزت‌آبادی‌پور، ۱۳۹۹)، و بررسی فرایند تضعیف در گویش سیرجانی: واج‌شناسی خودواحد (خلیفه‌لو و عزت‌آبادی‌پور، ۱۴۰۱) اشاره کرد.

۲-۱. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی است. پژوهشگران در چارچوب معنی‌شناسی شناختی، به بررسی مولکول‌های معنایی حیوانات پریسامد در ضرب‌المثل‌های گویش سیرجانی پرداخته‌اند. داده‌های این پژوهش با استفاده از ضبط گفتار آزاد، مصاحبه با گویشوران و منابع کتابخانه‌ای موجود در ارتباط با گویش سیرجانی جمع‌آوری گردیده‌اند. با وجود بومی بودن دو تن از پژوهشگران پژوهش حاضر، به منظور درک کامل گفتار گویش مورد بررسی و ایجاد گفتگوی طبیعی‌تر، پژوهشگران بومی این پژوهش، به برقراری ارتباط با گویشوران گویش خود و هدایت مصاحبه‌ها پرداخته‌اند. پس از گردآوری مجموعه‌ای شامل «۹۵۰» ضرب‌المثل گویش سیرجانی، تعداد «۴۰۵» ضرب‌المثل، حاوی نام انواع حیوانات، استخراج شد و از این تعداد به بررسی ضرب‌المثل‌های حیوانات پریسامد در گویش سیرجانی پرداخته شد و از هر حیوان چند ضرب‌المثل ذکر گردیده است. سپس هر یک از این ضرب‌المثل‌ها با استفاده از الفبای «IPA» آوانویسی و معنای آن‌ها ارائه گردید، در مرحله بعد مولکول‌های معنایی آن‌ها براساس مفاهیم و چارچوب نظری معنی‌شناسی شناختی تعیین شدند و سرانجام از لحاظ دلالت و کارکرد موضوعی مشخص گردیدند.

۳-۱. ضرورت پژوهش

با توجه به اهمیت نام حیوانات در گنجینه ضرب‌المثل‌ها، چه به لحاظ فراوانی و چه به لحاظ نقش و کاربرد، این پژوهش بر آن است تا این الفاظ را در ضرب‌المثل‌های گویش سیرجانی مورد مطالعه قرار دهد. بدین منظور پس از استخراج تعداد ۴۵۰ ضرب‌المثل که در آن‌ها از نام یک یا چند حیوان استفاده شده بود، مولکول‌های معنایی این اسامی بررسی شدند. مطالعه گسترده نام حیوانات در ضرب‌المثل‌ها، نه تنها به دلیل وسعت مفاهیم غیرارجاعی، نمایانگر میزان زبانی و خلاقیت زبان است، بلکه مقایسه آن‌ها در حوزه وسیع‌تر، همچون زبان‌ها و گویش‌های متفاوت، مفاهیم معنایی مشترک در سطح گونه‌های مختلف را آشکار می‌سازد و لذا گامی در جهت شناخت بیشتر همگانی‌های زبانی است که یکی از اهداف مهم زبان‌شناسی عصر حاضر را تشکیل می‌دهد. به علاوه، مقایسه ضرب‌المثل‌ها، نه تنها ابزار مفیدی در جهت شناخت اشتراکات شناختی-فرهنگی است بلکه تمایزات موجود میان فرهنگ‌های مختلف را نیز آشکار می‌سازد.

۴-۱. چارچوب نظری

استعاره هم در ایران و هم در سایر نقاط جهان سابقه مطالعه طولانی دارد و از زمان‌های خیلی قدیم به این علم توجه شده است. توجه ویژه شرقیان و غربیان به استعاره، نشان از باارزش بودن آن است. به طور کلی دو دیدگاه در مورد استعاره وجود دارد؛ یکی دیدگاه کلاسیک و سنتی و دیگری دیدگاه رمانتیک و نوین (جان سعید، ۲۰۰۹: ۳۵۹) (John, Saeed). دیدگاه کلاسیک و سنتی، استعاره را مختص شعر و شاعر و ادبیات می‌داند. در مقابل دیدگاه رمانتیک استعاره را پدیده‌ای ذهنی و شناختی می‌داند و دیدگاه کلاسیک را زیر مجموعه‌ای از مفهوم استعاره می‌داند. در دایرةالمعارف فارسی (۱۳۸۱: ۲۸۱) به سرپرستی دکتر غلامحسین مصاحب تألیف شده، در تعریف استعاره چنین آمده است: استعاره (عربی = به عاریت خواستن)، در علم بیان، مجازی با علاقه مشابهت؛ به عبارت دیگر، به کار بردن لفظی به مجاز در معنی لفظی دیگر به سبب مشابهتی که میان معنی آن دو است و در حقیقت، به سبب اشتراک آن دو در صفتی واحد. از آن جایی که در این مقاله در تلاشیم تا ضرب‌المثل‌ها را از دیدگاه زبان‌شناسانه بخصوص از دیدگاه زبان‌شناسی شناختی بررسی کنیم، سعی می‌کنیم تحلیلی ارائه دهیم که بین زبان، ذهن، تجربه و فرهنگ ارتباط برقرار کند.

همه استعاره‌ها جهانی نیستند و خیلی از استعاره‌ها فرهنگ‌محور هستند و از کشوری به کشور دیگر و از فرهنگی به فرهنگ دیگر و از روستایی به روستای دیگر و حتی از فردی به فرد دیگر نیز متفاوت هستند. اما چه دلیل یا دلایلی برای این تنوع استعاره در فرهنگ‌ها و در میان اشخاص و افراد یک قوم وجود دارد؟ به بیان دیگر چرا استعاره‌هایی که یک قوم به کار می‌برند با استعاره‌های قوم دیگر متفاوت است؟ مثلاً چرا جغد در فرهنگ فارسی‌زبانان به صورت استعاری برای نحسی و شومی و نامبارکی به کار می‌رود اما در فرهنگ انگلیسی‌زبانان استعاره از باهوشی و دانایی و تیزی است. حتی چرا در میان افراد یک قوم استعاره‌ها شبیه به هم نیست و باهم تفاوت دارند؟ به طور کلی از نظر کوچس (۱۳۹۴) سه دلیل عمده و مهم برای تنوع استعاره‌ها وجود دارد؛ دلیل اول: تجارب متفاوت است. دارا بودن تجربه‌های متفاوت باعث می‌شود استعاره‌هایی که در زندگی روزمره به کار می‌بریم نیز متفاوت باشند. دلیل دوم: سبک‌ها و اولویت‌های شناختی متفاوت است. از جمله اولویت‌های شناختی متفاوت، می‌توان به اقوام، میزان رواج، مختص بودن، شفافیت در عمل، و تمرکز تجربی اشاره کرد. دلیل سوم: خلّاقیت استعاری است؛ همان‌طور که در شعر خلّاقیت استعاری دیده می‌شود. (مثلاً یکی عشق را آتش و دیگری عشق را یک ماده مست‌کننده (شراب) و یکی دیگر عشق را غذا و غیره دانسته است). مردم عامه نیز در کاربرد کلمات استعاری خلّاقیت دارند و از کلمات و عبارات استعاری متفاوتی استفاده می‌کنند.

۱-۴-۱. رویکردهای مختلف در بررسی مولکول‌های معنایی

در این بخش رویکردهای مختلف زبان‌شناسی مرتبط با بررسی مولکول‌های معنایی معرفی می‌شوند. ابتدا رویکرد فرازبان معنایی طبیعی (ویرژییتسکا، ۱۹۷۲ و ۱۹۹۶)، رویکرد گودارد (Goddard) و ویرژییتسکا (۲۰۰۷) به عنوان پیش‌تازان رویکرد مولکول‌های معنایی معرفی می‌شوند، سپس رویکرد هسییه^۲ (۲۰۰۱، ۲۰۰۵، ۲۰۰۶ و ۲۰۰۹) در بررسی مولکول‌های معنایی واژه‌های مربوط به جانوران در زبان‌های مختلف بررسی خواهند شد.

رویکرد ویرژییتسکا و گودارد در بررسی مولکول‌های معنایی رویکردی فرازبان معنایی طبیعی و یکی از رویکردهای کاربردی در زمینه معنی‌شناسی بین‌زبانی و بین‌فرهنگی است. این رویکرد تاکنون در مورد بیش از ۳۰ زبان در سراسر جهان به محک آزمون گذاشته شده است. در این رویکرد، ادعا بر این است که هسته کوچکی از معانی جهانی به نام نخست‌های معنایی وجود دارد که از طریق واژه‌ها و دیگر عبارات‌های زبانی در همه زبان‌ها قابل بیان است. این هسته مشترک معنایی می‌تواند به عنوان ابزاری برای تحلیل فرهنگی و زبانی مورد استفاده قرار گیرد.

هسییه (۲۰۰۶) در بررسی مولکول‌های معنایی با استفاده از دیدگاه ویرژییتسکا (۱۹۸۵) در مورد عبارات‌های دارای نام جانوران و گیاهان و استفاده از رویکرد استعاره‌های شناختی لیکاف^۳ و جانسون^۴ (۱۹۸۰) رویکرد جدیدی برای تحلیل مولکول‌های معنایی جانوران و گیاهان ارائه کرده است. او معتقد است مولکول‌های معنایی نیز مانند عبارات‌های دارای نام حیوان از ظاهر، عادات، رفتار و روابط انسانی با حیوان نشئت می‌گیرند و از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت هستند. همچنین در هر فرهنگ، مفاهیم مرتبط با نام جانوران در ذهن مردم آن فرهنگ، قراردادی هستند، زیرا مفاهیم از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر دچار تغییر می‌شوند. چنانچه به باور هسییه (۲۰۰۶: ۲۲۱۴) برخی مفاهیم و اصطلاحات دارای نام حیوان در ذهن مردم یک فرهنگ معانی مثبت و خوب ایجاد می‌کنند و ممکن است همان مفهوم در ذهن مردم فرهنگ دیگر مفاهیمی منفی و بد ایجاد کند، پس معانی به وجودآمده برای یک مفهوم به صورت قراردادی هستند؛ برای مثال، مولکول‌های معنایی به‌کاررفته در زبان آلمانی برای گربه عبارتند از: یک نوع حیوان، دارای سر، دم، زبان و چشم، شکارچی، سیاه‌رنگ، تبیل، محتاط، تمیز، سریع، ضعیف، کوچک، پرسروصدا و چاپلوس. آلمانی‌زبان‌ها نیز در تفسیر عبارت «گربه» ویژگی‌های ذکر شده را به کار می‌برند که نشان‌دهنده نوع تفکر و بینش مردم در فرهنگ آلمانی نسبت به این حیوان است. یافته‌ها نشان می‌دهند که گویشوران آلمانی، در مقایسه با گویشوران

1. Wierzbicka

2. Hsieh

3. Lakoff,

4. Johnson

چینی، دیدگاه مثبت‌تری نسبت به نام این حیوان در ذهن خود دارند، زیرا در تفسیر ویژگی‌های این حیوان، کاربرد صفات و خصوصیات منفی کمتر و دیدگاه آن‌ها نسبتاً متعادل‌تر است.

۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱-۲. تجزیه و تحلیل مولکول‌های معنایی و کاربرد استعاری نام خرد در ضرب‌المثل‌های گویش

سیرجانی

نام این حیوان در ضرب‌المثل‌های این گویش نسبت به نام سایر حیوانات پرکاربردتر و پربسامدتر است و ضرب‌المثل‌های فراوانی حاوی نام این حیوان در این گویش یافت می‌شوند. نام این حیوان در این ضرب‌المثل‌ها از لحاظ مولکول معنایی و کاربرد استعاری یکسان نیست. مشاهدات نشان می‌دهد که کاربرد استعاری و مولکول معنایی این حیوان در ضرب‌المثل‌های این گویش شامل سه مورد زیر است:

۱-۱-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری حماقت، سفاهت، نادانی و بی‌خردی

الف) من خرم، تو خرسوار، من می‌شاشم تو وَرِ بدار.

man χaram to χarsavār, man mišāšam to var bedār

معادل فارسی: من خر هستم و تو خرسوار، من می‌شاشم تو بردار.

خر در این مثال دارای کاربرد استعاری و مولکول معنایی سفاهت و بی‌خردی است.

ب) تو نباشی دیگری، سرخ و سفید بهتری، اوسار می‌بندم ور خری، وریه خر رنگین‌تری
to nabāši digari, sorχo sefid behtari, owsār mibandam var χari, var je χare rangintari
معادل فارسی: آگه تو نباشی یکی دیگه، یه فرد سرخ‌تر و سفیدتر بهتری، من که به خر افسار می‌بندم، به

یه خر رنگین‌تر افسار می‌بندم.

در این مثال نیز خر به طور استعاری به افراد نادان و بی‌خرد اشاره دارد.

۲-۱-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری وسیله و ابزار

- نه خر دادم به خرگرد، نه گُوی دادم به گُو گرد

na χar dādam be χar gard, na gowi dādam be gow gard

معادل فارسی: نه الاغی را به کسی سپرده‌ام، نه گاوی را به گاوچران داده‌ام.

بررسی مولکول‌های معنایی نام حیوانات پریسامد... (ص ۱۱۳-۱۴۱)---طاهره عزت‌آبادی پور و همکاران ۱۲۱

منظور این است که شخص هیچ وسیله و ابزاری را به کسی نسپرده است که دلیل بر اضطراب، دغدغه و نگرانی‌اش باشد.

۳-۱-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری کثرت، فراوانی، بزرگی و زیادی

- خری گِفتن، کره خری گِفتن

χeri geftan, kore χeri geftan

معادل فارسی: خری گفته‌اند، کره خری گفته‌اند. (بزرگی گفته‌اند، کوچکی گفته‌اند) در موقع تعارف دوستانه، بخصوص هنگام مزاح به کار می‌رود.

۲-۲. تجزیه و تحلیل مولکول‌های معنایی و کاربرد استعاری نام گاو در ضرب‌المثل‌های

گوییش سیرجانی

در این گوییش نام گاو دارای دو مولکول معنایی است که هر کدام همراه با مثال ذکر می‌شود:

۱-۲-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری احمق و نفهم

- تا نباشه چوق تر، فرمون نگیره گو (گاو) و خر

tā nabāše čuqe tar, farmun nagire gow o χar

معادل فارسی: تا نباشد چوب تر، فرمان نبرد گاو و خر. تا زمانی که چوب برای کتک زدن نباشد، گاو و الاغ وادار به انجام کار نمی‌شوند. (برای بعضی افراد اگر تشبیه در نظر گرفته نشود، کاری انجام نمی‌دهند.)

۲-۲-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری بزرگ و باارزش

الف) تا گوساله گو (گاو) بِشه، دل صاحبش او بِشه.

tā gusāle gow beše, dele sāhebaš ow beše

معادل فارسی: تا گوساله گاو شود، دل صاحبش آب شود. منظور صبر و تحمل در برابر نتیجه‌گیری کار است تا زمانی که این گوساله گاو شود، دل صاحبش از بی‌قراری و انتظار آب شود. تا گوساله (استعاره از کوچک) گاو (استعاره از بزرگ) شود، دل صاحبش از بی‌قراری آب می‌شود.

ب) صد چغوت با پرو بالش و جیس و ویسش نیم مینه، گاوی بکش که گردِ روش سی مینه.

sad čoqut bā par o bāleš o đziš o viseš nim mene, gowi bekoš ke gerde runeš si mene.

معادل فارسی: اگر صد گنجشگ بکشی گوشت و استخوان و پیر و بالش و صدای آن‌ها را وزن کنی؛ نیم من نمی‌رسد، در عوض گاوی بکش که قسمت رانش سی من وزن دارد.

دنبال کارهای کوچک و پرزحمت که نتیجه مطلوبی ندارد نرو، کاری انجام بده که زحمتش و سودش بیش تر است.

ج) مهمون یکی باشه، صاحب‌خونه گاوی می‌کشه.

age mehmun jeki bāše, sāheb χune gowi mikeše

معادل فارسی: اگر مهمون یکی باشه، صاحب‌خونه گاو می‌کشد.

زمانی می‌گویند که به علت زیادی تعداد مهمان، صاحب‌خانه نمی‌تواند آن‌طور که شاید و باید پذیرایی کند. اگر تعداد مهمان کم باشد صاحب‌خانه به بهترین وجه پذیرایی می‌کند.

۳-۲. تجزیه و تحلیل مولکول‌های معنایی و کاربرد استعاری نام سگ در ضرب‌المثل‌های

گوش سیرجانی

نام این حیوان در این گوش دارای پنج مولکول معنایی و کاربرد استعاری به شرح زیر است:

۱-۳-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری ترس

- سیگِ درِ پلاسِ صابش، گرگه

sege dere pelāse sābeš, gerge

معادل فارسی: سگ، جلوی خیمه صاحبش گرگ است.

سگ در جلوی خانه‌اش احساس شجاعت و شهامت می‌کند. استعاره از شخصی که وقتی پشتگرمی به کسی دارد ادعای شجاعت می‌کند اما به تنهایی شخص ترسویی بیش نیست.

۲-۳-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری پست و بی‌ارزش

الف) سیگِ خونه باش، کوچکِ خونه نباش

sege χune bāš, kučkeke χune nabāš

معادل فارسی: سگ خونه باش، کوچک خونه نباش.

این مثل را فرزند کوچک خانواده در حالی که از امر و نهی‌های بزرگ‌ترها به تنگ می‌آید به کار می‌برد.

بررسی مولکول‌های معنایی نام حیوانات پریسامد... (ص ۱۱۳-۱۴۱)---طاهره عزت‌آبادی پور و همکاران ۱۳۳

ب) سگ بشو، مادر نشو

sag bešo, mādar našo

معادل فارسی: سگ بشو، مادر نشو

این مثل را مادر زمانی که از دست بچه ناراحت و مستأصل می‌شود، می‌گوید؛ یعنی کاش سگ بودم و راحت زندگی می‌کردم و مادر تو نشده بودم.

ج) فلانی خَرِ دور میره و شما سِگ انتظارکش

folāni χare dur mire o šomā sege entezārkeš

معادل فارسی: او مانند الاغی است که عمرش طولانی است و شما مانند سگ‌هایی هستید که انتظار مرگش را دارید تا از گوشتش تغذیه کنید. منظور افرادی که منتظر مرگ نزدیکان هستند تا مال و منال آن‌ها را تصاحب کنند.

د) زمین عارش میا سگ روش بخوابه، سگ عارش میا رو زمین بخوابه

zamin āreš mijā sag ruš beχābe, sag āreš mijā ru zamin beχābe

معادل فارسی: زمین از اینکه مکان خوابیدن سگ است تنگ دارد و سگ هم از اینکه زمین جای خوابش است تنگ دارد.

استعاره از شخصی که باعث تنگ و عار است و بدون توجه به این، عیب دیگران را باعث تنگ و عار خود می‌داند.

ه) که مرگ خر بود سگ را عروسی

ke marge χar bud, sag rā arusi

معادل فارسی: مرگ الاغ، روز شادی و خوشحالی سگ است.

استعاره از دو شخص که یکی از گرفتاری و حتی مرگ دیگری شادی می‌کند.

۲-۳-۳. مولکول معنایی نجاست و ناپاکی

الف) سگ آ نگاه کردن، قصاب نمیشه

sag a negā kerdan, qasāb nemiše

معادل فارسی: سگ با نگاه کردن، قصاب نمیشه.

این مثل در مورد مردان چشم‌چران گفته می‌شود که با نگاه کردن به دختران و زنان بجز توهین و تحقیر چیزی به دست نمی‌آورند. همان طور که سگ با نگاه کردن به گوشت جز اینکه با کتک رانده شود به جایی نمی‌رسد.

(ب) مِثِ سَگِ لَاس

mese sege lās

معادل فارسی: مثل سگ ماده.

این مثل به طور استعاری در مورد دختران بوالهوسی که در برابر جنس مخالف سست و بی‌اراده هستند به کار می‌رود.

۲-۳-۴. مولکول معنایی وحشی، شرور و درنده خوی

(الف) آ دیوار پده و زن شلیته و سگ درنده، میبا بگریزی

a divār pede o zane šalite , sage derende, mibā begrizi

معادل فارسی: از دیوار پوسیده و زن بی‌آبرو و سگ درنده فرار کن، چون هر سه به تو ضرر می‌رسانند. سگ استعاره از فرد وحشی و درنده خوی است.

(ب) سَگِ مَمِدِ نِگاری

sege mamede negāri

معادل فارسی: سگ محمد نگاری

استعاره از افرادی که به دنبال بحث و دعوا هستند، خواه شخص آشنا باشد یا بیگانه. می‌گویند شخصی به نام محمد نگاری سگی داشت که آن سگ با هر کس چه آشنا و چه غریبه، برخورد می‌کرد و به او آسیب می‌رساند.

(ج) مِثِ سَگِ و گربه

mese sego gerbe

معادل فارسی: مثل سگ و گربه.

منظور دو شخص است که به هم کینه دارند و به محض اینکه یکدیگر را ببینند بحث و دعوا می‌کنند.

۲-۳-۵. مولکول معنایی و کاربرد استعاری بدخلق و خو

الف) فلانی سبگش بزِ خودشه

folāni segeš baze χodeše

معادل فارسی: سگ او از خودش بهتر است.

در مورد افرادی گفته می‌شود که حتی بعضی از صفات خوب حیوانات را هم ندارند.

ب) سگِ هار گرفتن

sege hār gereftan

معادل فارسی: فلانی سگ هارش گرفته.

استعاره از تغییر رویه، بداخلاقی نمودن و به طور ناگهانی تغییر اخلاق دادن است.

۲-۴-۴. تجزیه و تحلیل مولکول‌های معنایی و کاربرد استعاری نام گربه در ضرب‌المثل‌های

گویش سیرجانی

در این گویش گربه دارای شش مولکول معنایی و کاربرد استعاری است که در زیر با ذکر مثال یا مثال‌هایی از هر مولکول معنایی آورده شده‌اند:

۲-۴-۱. مولکول معنایی و کاربرد استعاری انسان پست و بی‌ارزش

الف) آدعا گربه سیا، بارون نمیا

a doā gerbe sijāh bārun nemijā

معادل فارسی: با دعای گربه سیاه که بارون نمیاد.

استعاره از این است که حرف انسان بی‌اهمیت، هیچ نتیجه‌ای ندارد. زمانی که از شخص می‌خواهند که برای رفع مشکلش دعا کند او به شوخی می‌گوید با دعا کردن گربه سیاه باران نمی‌آید؛ در نتیجه شخص خودش را به گربه سیاهی مانند می‌کند که دعایش به درگاه خدا قبول نمی‌شود.

۲-۴-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری انسان مجرم و خطاکار

- چوق که ورداری، گربه دز می‌گریزه

čuq ke var dāri, gerbe dez migerize

معادل فارسی: چوب را که برداشتی گربه‌ای که دزدی کرده است می‌ترسد و فرار می‌کند.

۱۲۶ فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، دوره ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۳۸، زمستان ۱۴۰۱

استعاره از افرادی است که کار خطایی انجام داده‌اند و از هر حرف و برخوردی وحشت دارند.

۲-۴-۳. مولکول معنایی و کاربرد استعاری انسان منفعت طلب

الف) هِش گِربه‌ای، مَضِ رضای خُدا، موش نمی‌گیره

heš gerbei maze rezaje xodā, muš nemigire

معادل فارسی: هیچ گربه‌ای به خاطر رضایت خدا موش نمی‌گیرد.

هیچ‌کس بدون توجه به سود و فایده‌ی خودش کاری را انجام نمی‌دهد، بلکه به خاطر رفع گرسنگی خودش اقدام به چنین کاری می‌کند.

ب) گِربهٔ بو کش

gorbeje bu keš

استعاره از شخصی که به محض اینکه از محفل و مهمانی و غذایی مطلع شود فوراً جهت استفاده به آنجا می‌رود (مفت‌خور).

ج) گِربه سِرِ سِفره مردم

gorbeje sere sefre mardom

استعاره از افرادی که بدون دعوت قبلی به جایی می‌روند یا منازل دیگران را به منزل خودشان ترجیح می‌دهند.

۲-۴-۴. مولکول معنایی و کاربرد استعاری انسان مغرور

- فلانی مِثِ گِربه، پشتش وَرِ زمینِ نمیزاره

folāni mese gerbe, pošteše var zemin nemizare

معادل فارسی: فلانی مثل گربه پشتش را روی زمین نمی‌گذارد.

استعاره از غرور شخص است. می‌گویند گربه از همه حیوانات مغرورتر است و نشانه تکبرش این است که هیچ‌گاه پشتش را روی زمین قرار نمی‌دهد.

۲-۴-۵. مولکول معنایی و کاربرد استعاری انسان منفور

- گِربه خودش ننگ، پُتیش ننگ، میو میو کِردِشَم ننگ

بررسی مولکول‌های معنایی نام حیوانات پریسامد... (ص ۱۱۳-۱۴۱)---طاهره عزت‌آبادی پور و همکاران ۱۲۷

gerbe xodeš nang, poteš nang, mijo mijo kerdenešam nang

معادل فارسی: گربه خودش حیوان ننگی است، موی تنش باعث مرض است و صدایش نیز چندان آور است.

استعاره از شخصی که از هیچ جهت محبوبیت ندارد و مورد توجه نیست و هر عملش باعث دلخوری و تنفر دیگران می‌شود.

۲-۴-۶. مولکول معنایی و کاربرد استعاری بزرگی همراه با دیکتاتور (بزرگ و زورگو)

- گربه نباشه در سِرا، موش همیشه کدخدا

gerbe nabāše dar serā, muš miše kadxedā

معادل فارسی: گربه که در خانه نباشد، موش همه کاره می‌شود.

اگر گربه در جایی مأوا نداشته باشد، موش خودش را همه‌کاره (کدخدا) می‌داند. منظور از این مثل آن است که در نبودن بزرگترها، کوچکترها خودشان را صاحب اختیار می‌دانند.

۲-۵. تجزیه و تحلیل مولکول‌های معنایی و کاربرد استعاری نام خرس در ضرب‌المثل‌های

گوش سیرجانی

چنان که در زیر مشاهده می‌شود در اکثر ضرب‌المثل‌های حاوی نام خرس، به نفهمی و زورداری و زورگویی اشاره شده است که بارزترین مولکول معنایی خرس در گوش سیرجانی است و به طور استعاری به انسان‌های نفهم، زوردار و زورگو اشاره دارد.

۲-۵-۱. مولکول معنایی و کاربرد استعاری نفهم، زوردار و زورگو

الف) آخرس، پُتی عشقه.

?a xers, poti ?ešqe

معادل فارسی: مویی از خرس کردن، غنیمت است.

وقتی به آدم بدحساب و نفهم چیزی می‌دهیم و او طلب ما را ندهد و خود را به بدحسابی و بدهکار نبودن بزند، اگر بتوانیم مقدار ناچیزی از طلبمان را هم از او بگیریم خوب و بارزش است. البته این مثل را درباره آدم‌های خسیس نیز به کار می‌برند؛ یعنی اگر بتوان از آدم خسیس چیزی گرفت؛ حتی اگر آن چیز، خیلی کوچک یا کم ارزش باشد نیز جای شکرگزاری دارد. خرس استعاره از انسان نفهم است.

ب) میراثِ خرس، رسید به کفتار

mirase χers, resid be kaftār

معادل فارسی: ارث خرس به کفتار می‌رسد.

وقتی به جای یک فرد بد و زورگو و نفهم، فرد بد یا بدتر دیگری بنشینند این مثل را می‌گویند. در این مثل هم، خرس بر نفهمی دلالت دارد.

ج) هر جا خرسه، جا ترسه.

har dʒā χerse, dʒā tarse

معادل فارسی: هر جا خرس هست، ترس هم هست.

فرض کنید پسری قصد ازدواج با دختری را دارد که آن دختر، برادران نفهم، زورگو، شرور و بدی دارد. در این حالت، والدین پسر این مثل را به فرزندشان می‌گویند؛ یعنی هر جا آدم نفهم و زورگو و بد است بهتر است که به آن جا نرویم و از معاشرت و فامیلی و خویشاوندی با این افراد پرهیز کنیم؛ چرا که این افراد بعداً در زندگی، مشکل و دردسر درست می‌کنند و باید از همین الان از آن‌ها ترسید و از آن‌ها فاصله گرفت و دوری کرد. خرس استعاره از انسان‌های نفهم و زورگو است.

د) خرس را چکارش به آنگری (آهنگری)

χers chekareš be ?āngeri

معادل فارسی: خرس را به آهنگری چه کار؟

استعاره از شخص خام و بی‌تجربه‌ای که کاری انجام می‌دهد، و نتیجه معکوس می‌گیرد.

ه) خرس خیالِ آدمِ کردن

χers xijal-e ?ādam kerdan

معادل فارسی: خرس را آدم تصور کردن.

در این مثل باز هم خرس استعاره از فرد ناشایست و غیرقابل اعتماد است. به بیان دیگر، شخصی که طرف مقابلش را فردی شایسته و قابل اعتماد بداند اما به زودی عکس موضوع برایش مشخص شود؛ این مثل را در مورد طرف مقابل به کار می‌برد.

۲-۶. تجزیه و تحلیل مولکول‌های معنایی و کاربرد استعاری گرگ در ضرب‌المثل‌های گویش

بررسی مولکول‌های معنایی نام حیوانات پریسامد... (ص ۱۱۳-۱۴۱) --- طاهره عزت‌آبادی پور و همکاران ۱۲۹

به طور کلی، آن‌گونه که از مثل‌های این گویش مشخص می‌شود، گرگ به طور استعاری به انسان‌های زرنگ اشاره دارد اما زرنگی نه فقط در معنای باهوشی، بلکه زرنگی در معنایی که با مکاری، حیله‌گری، دغل‌بازی، پلیدی، بدذاتی و بی‌رحمی همراه است.

۲-۶-۱. مولکول معنایی و کاربرد استعاری افراد زرنگ اما بدذات، شرور و نصیحت‌ناپذیر

- به گرگ گفتن دَس از گرگیت و ردار گف حالا وختش نی گله رَف.

be gerg goftan das ?a gergit var dār, gof hālā vaχteš ni, galle raf

معادل فارسی: به گرگ را گفتند دست از گرگی‌ات بردار، گفت ولم کن حالا وقتش نیست، گله رفت. در مورد افرادی که کار می‌رود که هرچه آن‌ها را پند بدهی، هیچ پند و نصیحتی نمی‌پذیرند و از یک گوش می‌شنوند و از گوش دیگر خارج می‌کنند و هر چه از آن‌ها بخواهی دست از عادات و رفتارهای بد از جمله دغل‌بازی و حیله‌گری بردارند، نمی‌پذیرند و به عادات بد خود ادامه می‌دهند. در واقع، به کارهای بد عادت کرده‌اند و نمی‌توانند دست از کارهای بد خود بردارند. گرگ در این مثل استعاره از افراد زرنگ اما بدذات، شرور و نصیحت‌ناپذیر دارد.

های معنایی و کاربرد استعاری نام کلاغ در ضرب‌المثل‌های این گویش ۲-۷. مولکول

نام کلاغ در این گویش دارای چهار مولکول معنایی و کاربرد استعاری است که در ادامه، هر کدام با مثال آورده شده‌اند:

۲-۷-۱. مولکول معنایی و کاربرد استعاری پست، بی‌ارزش و نالایق

دریده بود. الف) اونی که به ما نریده بود، کلاغ کون

?uni ke be mā naride bud, kalāq kun daride bud

معادل فارسی: همه به ما توهین و بی‌احترامی کردند، حتی پست‌ترین افراد، تنها موجود زنده‌ای که روی لباس من نشاشیده بود کلاغ... پاره بود که او هم چنین عملی را انجام داد. از هر کس به ما ضرر رسید حتی از طرف افراد بی‌ارزش و نالایق.

۲-۷-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری زشت و نامنظم.

الف) پنجه کِلاغو

pandže kelāqu

منظور از این مثل: بدخط نوشتن و خط ناخواناست.

ب) کِلاغ با طِفَلِ خود می گف هر دَم، به قریون بلورین پام گَردم

kelāq bā tefle xod migof har dam, be qorbun bolurin pām gardam

معادل فارسی: کلاغ هر لحظه طفلش را نوازش می کرد و می گفت قریون پاهای سفیدت و بلورینت شوم.

مقصود این است که هر چند بچه در نظر دیگران زشت و لوس باشد؛ در نظر پدر و مادرش از همه بچه ها باتریت تر و زیباتر است.

۳-۷-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری مزاحم و دردرساز

- کِلاغ سَر سیاه بَندی بِه پاشِه، هَنو مانو نَرَفَت جانو بِه جاشِه

kelāqe sar sijāh bandi be pāše, hanu mānu narafte džānu be džāše

معادل فارسی: کلاغ سرسیاه یک بند به پای بسته است، هنوز مانو نرفته، جانو به جایش اومد.

این مثل را زمانی به کار می برند که هنوز مدت زمانی از رفتن مهمان یا ارباب رجوع و مزاحم قبلی نگذشته که دیگری از راه می رسد. («مانو») مخفف نام‌های ماه‌نساء، ماه‌جان، مانی و «جانو») مخفف نام‌های جانعلی و جانی است.

۴-۷-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری مادری مهربان و دلسوز

- کِلاغ گُف از وَختی بَچه دار شُدم، یه سیر گایی نَخوردَم.

kelaq gof ?a vaχti bačedār šodam, je sire gaji naχordam

معادل فارسی: از زمانی که بچه دار شدم، یک شکم سیر به خود ندیده‌ام.

بررسی مولکول‌های معنایی نام حیوانات پریسامد... (ص ۱۱۳-۱۴۱)---طاهره عزت‌آبادی پور و همکاران ۱۳۱

کلاغ گفت آسایش و آرامشم سلب شده، به طوری که نتوانستم یک شکم سیر بخورم. این استعاره را شخصی به کار می‌برد که اطرافیان و نزدیکانش به گونه‌ای باعث سلب آرامش و مانع استفاده از حقوق طبیعی او شده‌اند.

۸-۲. تجزیه و تحلیل مولکول‌های معنایی و کاربرد استعاری مرغ در ضرب‌المثل‌های گویش سیرجانی

در این گویش، مرغ دارای دو مولکول معنایی به شرح زیر است:

۸-۲-۱. مولکول معنایی و کاربرد استعاری پرحرف

الف) مِثِ مرغِ حق‌دوست

mese morqe haq dust

معادل فارسی: مثل مرغ حق‌دوست.

شخصی که در مورد موضوعی زیاد توضیح می‌دهد و آن را چند بار تکرار می‌کند.

ب) مِثِ مرغِ قُتْ قُتْ کردن، مِثِ مرغِ کُریک

mese morqe qot qot kerdan: mese morqe korek

معادل فارسی: مثل مرغ قدقد کردن، مثل مرغ کرک

منظور زیاد حرف زدن و غر زدن است.

۸-۲-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری انسان پرتلاش و با تجربه

- مرغی که انجیر می‌خوره، نِکِشِ کِجه

morqi ke ?andzir mi{xore, nekeš kedže

معادل فارسی: مرغ انجیرخوار نوکش خمیده است و متناسب با غذایش است.

شخصی که دست به انجام کاری می‌زند باید در آن تجربه داشته باشد و اسباب و وسایل مناسب آن کار را نیز داشته باشد.

۹-۲. تجزیه و تحلیل مولکول معنایی و کاربرد استعاری ماهی در ضرب‌المثل‌های گویش

سیرجانی

۱-۹-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری لایق و ارزشمند

- حوضی که ماهی ندارد، گُک توش سپسآلاره

howzi ke māhi nadāre, gok tuš sepašālare

معادل فارسی: حوضی که فاقد ماهی است، قورباغه در آن زیباتر از ماهی خودنمایی می‌کند.

وقتی شخص و اشخاص لایقی وجود نداشته باشند، افراد نالایق هم جلوه می‌کنند.

چنانکه مشاهده می‌شود ماهی در ضرب‌المثل‌ها به فرد یا چیز خوب، قیمتی، قابل دار و باارزش اشاره دارد.

۱۰-۲. تجزیه و تحلیل مولکول معنایی شیر در ضرب‌المثل‌های گویش سیرجانی

چنانچه در زیر مشاهده می‌شود در همه ضرب‌المثل‌های حاوی نام شیر، از شجاعت، دلوری، رشادت، بی‌باکی، پیروزی و موفقیت صحبت به میان آمده است که همه دارای معنای مثبت هستند. بنابراین شیر در گویش سیرجانی فقط یک مولکول معنایی دارد که برای توصیف آن می‌توان از کلمات شجاع، دلیر، بی‌باک، پیروز و موفق استفاده کرد.

۱-۱۰-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری شجاع، دلیر، بی‌باک، پیروز و موفق

الف) ای شیر دلاور، سخن بگو برابر

?ej šire delāvar, soẋan begu barābar

معادل فارسی: ای شیر دلاور، سخن بگو برابر.

اگر شهامت داری حرفت را در حضور جمع بیان کن.

ب) شیرزن.

širzan

معادل فارسی: شیرزن.

به زنانی که بسیار ترس و شجاع هستند اطلاق می‌شود.

۱۱-۲. تجزیه و تحلیل مولکول‌های معنایی مار در ضرب‌المثل‌های گویش سیرجانی

به طور کلی چنانکه از مثال‌های زیر نیز پیداست، مار در ضرب‌المثل‌های گویش سیرجانی استعاره از دشمنی بی‌رحم، سرسخت، آشتی‌ناپذیر، سیری‌ناپذیر، کینه‌توز و خشن است. در اکثر مثل‌های این گویش، هنگام صحبت در مورد مار، یک یا چند مورد از مولکول‌های معنایی ذکر شده که دشمنی، خشونت و کینه‌توزی را می‌رسانند مد نظر است.

۱-۱۱-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری دشمنی، خشونت و کینه‌توزی

الف) مار که بمونه، اژدها می‌شه

mār ke bemune, ʔezdehā miše

معادل فارسی: مار اگر بماند، اژدها می‌شود.

اگر از ابتدا جلوی مشکلی گرفته نشود تبدیل به مشکلی بزرگ می‌گردد. اگر عمر مار طولانی شود، تبدیل به اژدها می‌گردد؛ اگر دشمن نابود نشود به دشمن قوی‌تر و سرسخت‌تری تبدیل می‌شود.

ب) مار از پُینه بدش او مد، از درِ کُتَش سوز شد.

mār ʔa pedene bedeš ʔumad, ʔa dere koteš sowz šod

معادل فارسی: مار از پونه بدش می‌آید، درب خانه‌اش سبز می‌شود.

به طور استعاری، وقتی فردی دوست نداشته باشد فرد یا چیز دیگری را ببیند، اما با آن فرد یا چیز برخورد کند و روبه‌رو شود این مثل را به کار می‌برند. در واقع بین آن دو دشمنی و کینه‌توزی است که از هم خوششان نمی‌آید.

ج) مِثِ مار خُشکو زیرِ بافه

mese märe ʔošku zire bāfe

معادل فارسی: مثل مار خشک در زیر بافه.

کنایه از شخص مودی، شخص به مار کوچک و ضعیفی با تیش زهرآلود تشبیه شده که زیر دسته‌های گندم یا جو یا برنج (بافه) پنهان شده و آماده نیش زدن است.

د) زبونش مار از کُت می‌کشه لرد

zebuneš märe ʔa kot mikeše lard

معادل فارسی: حرف‌هایش به قدری فریبنده است که با شنیدن آن‌ها مار از سوراخ خارج می‌شود.

استعاره از شخصی که با حرف‌هایش اشخاص را فریب می‌دهد اما عملی انجام نمی‌دهد.

۲-۱۲. تجزیه و تحلیل مولکول‌های معنایی شتر در ضرب‌المثل‌های این گویش

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در اکثر مثل‌های این گویش، نام شتر در معنای بزرگی، درشتی، کلفتی و عظیم‌الجثه بودن به کار رفته است. بنابراین بارزترین مولکول معنایی شتر در ضرب‌المثل‌های گویش سیرجانی، بزرگ، درشت، کلفت و عظیم‌الجثه (درشت‌پیکر) است و به طور استعاری نام شتر در مثل‌ها به چیزهای بزرگ، درشت و عظیم‌الجثه اشاره دارد. اگرچه نام شتر غیر از این مولکول معنایی، دارای دو مولکول معنایی دیگر هم هست که در زیر با مثال ذکر شده‌اند.

۲-۱۲-۱. مولکول معنایی و کاربرد استعاری بزرگ، درشت و عظیم‌الجثه

الف) شتر گم کرده، دُمبالِ مه‌ارش می‌گردد

šeter gem kerde, dombāle mehāreš migarde

معادل فارسی: شتر را گم کرده دنبال دهنه و مهار آن می‌گردد.

اصل زندگی و هستی‌اش را از دست داده و دنبال فرعی می‌گردد.

ب) مٹی اُشتر به شیشه می‌کتن

mesi ?ošter, be šišē mikenan]

معادل فارسی: مثل این که شتر را در بطری شیشه‌ای جا می‌دهند.

گویی که شتر با این بزرگی را در یک بطری جای می‌دهند و جمعیت جهت دیدن این منظره شگفت‌انگیز جمع شده‌اند. زمانی که عده‌ای بدون دلیل در جایی جمع می‌شوند این کنایه را می‌آورند.

ج) کم طالع آگِ وِ پِشتِ شتر سوار بشه، سگ می‌گیرِکش

kam tāle ?age var pošte šeter savār beše, sag migiregeš

معادل فارسی: کم‌شانس اگر روی شتر هم سوار شود از بخت بدش، طعمه سگ می‌شود.

شخص کم‌شانس به هر کاری دست بزند موفق نمی‌شود.

د) تو ای خونه، اُشتر با بارش گِم همیشه

tu ?i χune. ?oštōr bā bāreš gem miše

معادل فارسی: در این منزل اگر شتر با این بزرگی همراه با بارش وارد شود گِم می‌شود. (چون منزل بی نظم و نامرتب است.)

ه) ای اُشترییِه که در خونه همه زانو می‌زنه

?i ?oštōrije ke dere χune hame zānu mizene

معادل فارسی: این شتری است که درب خانه همه می‌خوابد.

منظور حادثه‌ای بزرگ (عمدتاً مرگ) که بدون استثنا برای همه پیش می‌آید. معادل «این شتری است که درب منزل همه می‌خوابد.»

ی) اُشتری به پشکلی مُرد

?oštōri be peškeli mord

معادل فارسی: شتری به پشکلی مُرد.

استعاره از اشخاصی که ادعای قدرت و مقاومت می‌کنند اما با کوچک‌ترین بیماری یا ضربه‌ای می‌میرند. همان طور که شتر با آن جثه سنگین اگر کوچک‌ترین ضربه‌ای با پشکل (مدفوع گوسفند) به قسمت حساس بدنش بخورد می‌میرد.

۲-۱۲-۲. مولکول معنایی و کاربرد استعاری فرد یا چیز نامناسب، غیرعادی و زشت

الف) شتر کجاش خوبه که لوسش کِچه

šeter kedžāš χube ke luseš kedže

معادل فارسی: کدام عضو شتر زیبا و مناسب است که لیش کج است؟

استعاره از کاری یا شخصی که محسناتی ندارد.

ب) به شتر گفتمن چرا شاشت از پسه، گُف کُدم کارم مِث هر کسه؟

be šeter goftan čera šāšet ?a pese, gof kodu kāram mese har kese

۱۳۶ فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، دوره ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۳۸، زمستان ۱۴۰۱

معادل فارسی: از شتر پرسیدند چرا از پشت ادرار می‌کنی؟ گفت کدام کار من شباهت به بقیه دارد که ادرار کردنم شبیه باشد؟

استعاره از افرادی است که از روی نادانی، کارهای نامتناسب و غیرعادی انجام می‌دهند.

ج) اُشتِری راه رفتن

ʔoštori rā raftan

معادل فارسی: شتری راه رفتن.

با قدم‌های بلند و صدادار راه رفتن، ناهنجار حرکت کردن.

۲-۱۲-۳. مولکول معنایی و کاربرد استعاری در دسرساز

- دور از شِترِ بخواب، خُو آشفته نَبین

dur az šeter beḫāb. ḫow ʔāšofte nabin

معادل فارسی: دورتر از شتر بخواب، تا خواب‌های آشفته و ترسناک نبینی.

منظور دوری از شخصی یا کاری است که باعث در دسر می‌شود. برخی عقیده دارند اگر نزدیک شتر بخوابند، خواب‌های آشفته و ترسناک می‌بینند.

۳. نتیجه‌گیری

پس از جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل ضرب‌المثل‌ها که مورد بحث و بررسی قرار گرفت، در این بخش ابتدا دلالت معنایی و موضوعی ضرب‌المثل‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند، سپس از آن‌ها نتیجه‌گیری به عمل می‌آید.

جدول ۱: فراوانی و بارزترین مولکول معنایی نام هر حیوان در ضرب‌المثل‌ها

ردیف	نام حیوان به فارسی	فراوانی نام حیوان در ضرب‌المثل‌ها	بارزترین مولکول معنایی و کاربرد استعاری
۱	خر	۷۶	حماقت، نادانی، سفاهت، بی‌خردی
۲	گاو	۱۲	بزرگ، قوی، با ارزش
۳	سگ	۳۵	پست، بی‌ارزش و ترسو

زورگو، زوردار و نفهم	۵	خرس	۴
حَقّه باز، خودخواه و حيله گر	۲۰	گره	۵
شجاع، دلير، رشيد، بى باک، پيروز و موفق	۴	شير	۶
بزرگ، درشت و عظيم الجثّه	۲۲	شتر	۷
ناپذير، خشن و رحم، سرسخت، آشتى دشمنى بى کينه‌توز	۱۳	مار	۸
زرنگى که مکار، دغل باز، حيله گر و بى رحم است.	۹	گرگ	۹
مولکول‌های معنایی مختلف از جمله پرحرف و پرتلاش	۱۵	مرغ	۱۰
چيز خوب، قيمتى، قابل دار و باارزش	۴	ماهى	۱۱
مولکول‌های معنایی مختلف به خصوص دلسوزی و از خود گذشتگی	۸	کلاغ	۱۲

جدول (۱) نشان می‌دهد که در گویش سیرجانی نام بعضی از حیوانات اهلی در ضرب‌المثل‌ها پربسامدتر و پرکاربردتر از نام دیگر حیوانات است. طبق تجزیه و تحلیلی که در این مطالعه به عمل آمد و همچنین بر اساس اطلاعات ارائه شده در جدول (۱) نام سه حیوان اهلی «خر» با فراوانی هفتاد و شش مورد و با برجسته‌ترین ترین مولکول معنایی «حماقت، سفاهت، بى خردى و نادانى»، نام «سگ» با فراوانی سی و پنج مورد و برجسته‌ترین مولکول معنایی «پست، بى ارزش و ترسو» و سپس نام «شتر» با فراوانی بیست و دو مورد و برجسته‌ترین مولکول معنایی «بزرگ، درشت و عظيم الجثّه» نسبت به نام سایر حیوانات و پرندگان اهلی و وحشی در ضرب‌المثل‌های گویش سیرجانی فراوان‌تر، پربسامدتر و پرکاربردتر هستند. از لحاظ دلالت و کارکرد موضوعی نیز موضوعات اجتماعى از بقیه موضوعات در ضرب‌المثل‌ها بیشتر به کار رفته‌اند. بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده می‌توان نتیجه گرفت که اگرچه زبان انسان بدون استفاده از استعاره‌های حاوی نام حیوانات ناقص نیست؛ اما وجود استعاره‌ها بخصوص استعاره‌های حاوی نام حیوانات، به غنی‌تر شدن زبان و برقراری ارتباط مؤثرتر و همچنین تسهیل در امر ارتباط، کمک شایانی می‌کنند. بنابراین، انسان ویژگی‌های عمدتاً منفی و گاهی مثبت خود را در حیوانات می‌بیند و سعی می‌کند از طریق ضرب‌المثل‌ها و داستان‌های نمادین حاوی نام حیوانات، آن ویژگی‌های عمدتاً منفی و بعضاً مثبت را بیان کند و اینکه حیوانات اگرچه در ضرب‌المثل‌ها و داستان‌ها عمدتاً در معنای منفی به کار می‌روند اما ذاتاً بد نیستند و دارای فایده‌های فراوان هستند و کمک‌های زیادی را به انسان، بخصوص قبل از اختراع ماشین و تراکتور انجام داده‌اند.

همچنین تشخیص تابو بودن یا حسن تعبیر شدن بر اساس متغیرهای اجتماعی مانند سن، جنسیت، سطح تحصیلات، صمیمیت، طبقه اجتماعی، شغل، مکان جغرافیایی، گروه قومی، سبک، قدرت و زمان متفاوت است. این امر به موضع‌گیری افراد بر اساس اصول ادب بستگی دارد و این موضوعات پیوند بین مبانی اجتماعی و شناختی را نشان می‌دهد.

منابع

- ۱- بزرگمهر، بیژن. (۱۳۸۹). ضرب‌المثل‌های ایلی لری، یاسوج: انتشارات چویل.
- ۲- خلیفه‌لو، سید فرید و عزت آبادی پور، طاهره. (۱۴۰۱). «بررسی فرایند تضعیف در گویش سیرجانی: واج‌شناسی خودواحد». ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۱۲ (۱)، ۷۴-۴۹.
- ۳- خلیفه‌لو، سید فرید و عزت آبادی پور، طاهره. (۱۳۹۹). بررسی فرایندهای سایشی‌شدگی، ناسوده‌شدگی و حذف در گونه‌زبانی سیرجانی: نظریه بهینگی، زبان‌شناسی گویش‌های ایرانی، ۵ (۲)، ۲۴-۱.
- ۴- سریزدی، محمود. (۱۳۸۲). نامه سیرجان، واژه‌ها و اصطلاحات لهجه سیرجان. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی، نشر آگاه.
- ۵- سلحشور، سهیلا. (۱۳۸۷). بهترین ضرب‌المثل‌های ایرانی. تهران: انتشارات ارونند. چاپ پنجم.
- ۶- شریفی‌مقدم، آزاده و ندیمی، نرجس (۱۳۹۲). «تحلیلی معنی‌شناختی از کاربرد نام حیوانات در ضرب‌المثل گویش لار با تکیه بر دلالت، موضوعیت و کارکرد اجتماعی». زبان و گویش‌های ایرانی، ۲ (۲)، ۱۳۷-۱۵۹.
- ۷- شکورزاده، ابراهیم. (۱۳۸۷). دوازده هزار مَثَل فارسی و سی هزار معادل آن‌ها، مشهد: آستان قدس رضوی (به نشر).
- ۸- شهیدی، اشرف‌السادات و روشن، بلقیس. (۱۳۹۶). توصیف زبان شناختی گونه‌زبانی شهرستان سیرجان، تهران: امیدانقلاب.
- ۹- عزت‌آبادی‌پور، طاهره و شهیدی، اشرف‌السادات. (۱۳۹۸). «فرایند سایشی‌شدگی در گونه‌زبانی سیرجانی: واج‌شناسی زیایشی». ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین، ۹ (۲)، ۶۶-۴۷.
- ۱۰- کوچس، زولتان. (۲۰۰۴). استعاره‌ها در فرهنگ: جهانی‌ها و تنوع، ترجمه نیکنا انتظام، تهران: انتشارات سیاه‌رود.

بررسی مولکول‌های معنایی نام حیوانات پریسامد... (ص ۱۱۳-۱۴۱)---طاهره عزت‌آبادی پور و همکاران ۱۳۹

- ۱۱- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۱). *دایرةالمعارف فارسی*، جلد اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- ۱۲- مؤیدمحسنی، مهری. (۱۳۸۱). *گویش مردم سیرجان: مجموعه لغات و اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها*، کرمان: کرمان‌شناسی.
- ۱۳- مؤیدمحسنی، مهری. (۱۳۸۶). *فرهنگ عامیانه سیرجان*، کرمان: کرمان‌شناسی.
- ۱۴- نشاتی، فرخنده. (۱۳۸۹). *ضرب‌المثل‌های شیرین بهبهانی و اصطلاحات عامیانه*، جلد دوم، قم: انتشارات ظهور.
- ۱۵- نخاولی، فاخته. (۱۳۹۰). *بررسی کاربرد مجازی نام حیوانات در ضرب‌المثل‌های فارسی و تحلیل برخی ویژگی‌های نحوی آن‌ها با رویکرد شناختی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۱۶- هاشم‌زهی، میترا. (۱۳۹۳). *بررسی شناختی ضرب‌المثل‌های مربوط به حیوانات در زبان‌های فارسی و انگلیسی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان.

- 17- Aghili, S. A. (2013). *A Study of Metaphor in Addressed Phrases to Spoken Persian Language*. MS Thesis. Payam Noor university. Center of South Tehran.
- 18- Bozorgmehr, B. (2010). *Tribal Proverbs of Lori. Yasouj*. Choil Publications. First Edition.
- 19- Colin, N. (2005). *English and Swedish Animal Idioms: a Study of Correspondence and Variation in Content and Expression*. Final paper at Karlstad University; Karlstad.
- 20- Ezatabadi Poor, T & Shahidi, A. (2019). Spirantization Process in Sirjani Variety: Generative Phonology, *Journal of Iranian Regional Languages and Literature*, 9(2), 47-66.
- 21- Goddard, C. and Wierzbicka, A. (2007). «Semantic Primes and Cultural Scripts in Language Learning and Intercultural Communication». In Palmer, G. and Sharifian, F. (eds.), *Applied Cultural Linguistics: Implications from second language learning and intercultural communication*. Amsterdam: John Benjamins, 105-124.
- 22- Halupka-Resetar, S. & B. Radic (2003). «Animal Names Used in Addressing People in Serbian». *Journal of Pragmatics*, 35. 1891-1902.
- 23- Hashemzahi, M. (2014). *Cognitive Study of Animal Proverbs in Persian and English Language*. MS Thesis, University of Sistan and Balochestan.
- 24- Hsieh, S. C. (2001). *A Semantic and Sociolinguistic Study of Animal Metaphor in Mandarin Chinese and German*. *Comparative Linguistics*,

National Cheng Kung University, Taiwan .

- 25- Hsieh, S. C. (2014). *A Lexicological Study on Animal Fixed Expressions. Paper presented at the From the ALWS archives: A selection of papers from the International Wittgenstein Symposia in Kirchberg am Wechsel: ALWS.*
- 26- Hsieh, S. C. (2005). «Life form Concepts: Animal Expressions in Mandarin Chinese and German». *Journal of Southern Taiwan University of Technology*, 30, 185-200 .
- 27- Hsieh, S. C. (2006). «Corpus-Based Study on Animal Expressions in Mandarin Chinese and German». *Journal of pragmatics*, 38(12), 2206-2222 .
- 28- Hsieh, S. C. (2009). «Emotion and Rationality in Mandarin Chinese and German: Force schema and life-form metaphors». *Foreign Language Studies*, (10), 87-103 .
- 29- Hsieh, S. C. and Jucker, J. (2003). «The Corpora of Mandarin Chinese and German Animal Expressions: An application of Cognitive Metaphors and Language Change». *Proceedings of the Corpus Linguistics Main Conference*, England: Lancaster University, 332-341
- 30- John, I.Saeed. (2009). *Semantics*. 3rd ed. printed in Singapore. Willy – Blackwell publishing.
- 31- Khalife Loo, S.F & Ezatabadi Poor, T, (2019). “The Survey of Processes of Spirantization, Approximation, and Deletion in Sirjani Variety: Optimality Theory”. *Journal of Iranian Language Linguistics*, 5(2), 185-212.
- 32- Khalife Loo, S.F & Ezatabadi Poor, T, (2021). “The Study of Lenition Process in Sirjani Dialect: Autosegmental Phonology”. *Journal of Iranian Regional Languages and Literature*, 12(1).
- 33- Kövecses .Z. (2004). *Metaphors in Culture: Universalities and Diversity*. Translated by Nikta Entezam (2015). Tehran: Siahroud Publications. First printing.
- 34- Lakoff, G. and Johnson, M. (1980). *Metaphors We Live by*. Chicago London: University of Chicago Press .
- 35- Masaheb, Gh. H. (2002). *Persian Encyclopedia*. volume 1. Tehran: Amirkabir Publications. Third printing.
- 36- Moayed Mohseni, M (2007). *Slang Culture of Sirjan*. Kerman: Kermanology.
- 37- Moayed Mohseni, M. (2002). *The Dialect of the People of Sirjan: a collection of words, idioms and proverbs*. Kerman: Kermanology.
- 38- Nakhaoli, F. (2011). *Investigating the figurative Use of Animal Names in Persian Proverbs and Analyzing Some of Their Syntactic Features With a Cognitive Approach*. MS Thesis, Ferdowsi University of Mashhad.
- 39- Nashati, F. (2010). *Behbahani's Favorite Proverbs and Slang Terms*. Volume 2. Qom: Zohur Publications. First printing.

- 40- Roberto, M. T. (2015). *Metaphorical Application and Interpretation of Animal Terms: A Contrastive Study of English and Persian*. *Language in Contrast*. No. 15:2. pp. 280-293.
- 41- Rodriguez, I. L. (2009). "Of Women, Bitches, Chickens and Vixens: Animal Metaphors for Women in English and Spanish". *Culture, Language and Representation*. Vol. 7. pp. 77-100. Shahabi, M. & M. T.
- 42- Salahshour, S, (2008). *The best Iranian proverbs*. Tehran: Arvand Publications. Fifth printing.
- 43- Saryazdi, M, (2003). *Sirjan Letter of Words and Idioms of Sirjan Dialect*. Tehran: Academy of Persian Language and Literature, Agah publication.
- 44- Shahidi, A & Roshan, B. (2017). *Linguistic Description of the Linguistic Type of Sirjan City*. Tehran: Enghlab Omid.
- 45- Shakurzadeh, E, (2008). *Twelve Thousand Persian Proverbs and Thirty Thousand of Their Equivalents*. Mashhad: Astan Qods Razavi (to be published). Third printing.
- 46- Sharifi Moghaddam, A & Nadimi, N, (2013). "A Semantic Analysis of Animal Names in Lāri Proverbs with Reference to its Denotation and Social Function. *Persian language and Iranian dialects*. 2, 137- 159.
- 47- Silaški, N. R. (2009). *Animal Metaphors in Some Business-Related Terms in English. Across Languages And Cultures*. Herceg Novi. Mon-tenegro. June 4-6.
- 48- Szamosfalvi, Z. (2011). *A Comparative Study of Animal Names Used as Forms of Address and Description in English and Hungarian*. MA thesis. Institute of English and American Studies, Faculty of Humanities, Pázmány Péter Catholic University.
- 49- Wierzbicka, A. (1972). *Semantic Primitives*. translated by A. Wierzbicka & J. Besemeres. Frankfurt: Athenäum.
- 50- Wierzbicka, A. (1996). *Semantics: Primes and Universals*. Oxford University Press .